



اسماعيليه
مجموعه مقالات

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

حجرات (۴۹)، ۱۳



عنوان و نام پدید آور	: اسماعیلیه: مجموعه مقالات / گروه مذاهب اسلامی.
مشخصات نشر	: قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲.
مشخصات ظاهری	: ۶۹۶ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۹.
شابک	: 978-964-9380-21-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۶۵۷] - ۶۷۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت	: چاپ چهارم: پاییز ۱۴۰۳
موضوع	: کلام اسماعیلیه، مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع	: اسماعیلیه، عقاید، مقاله‌ها و خطابه‌ها.
شناسه افزوده	: دانشگاه ادیان و مذاهب.
رده‌بندی کنگره	: ۵ الف BP۲۱۵
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۱۷۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۵۳۰۷۴

چاپ چهارم

اسماعیلیه

مجموعه مقالات

گروه مذاهب اسلامی



آشنائت از نگاه ادیان مذاهب

معاونت پژوهشی

۱۴۰۳

مجموعه فرق و مذاهب - ۱



قم، پردیسبان، روبه روی مسجد امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.
تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱
همراه: ۰۹۱۲۷۵۴۵۷۷۸
فروشگاه اینترنتی:

[@Libadyan](#)

www.Adyanpub.com

اسماعیلیه (مجموعه مقالات)

- نویسندگان: گروه مذاهب اسلامی
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: چهارم، پاییز ۱۴۰۳
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- مرجع قیمت: وبسایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۳۸۰-۲۱-۶

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

سخن ناشر

دیرزمانی است که علم فرقه‌شناسی اسلامی رونق گذشته خود را از دست داده است. در حوزه‌های علمیه ما، که زمانی فقیهان نامدارش بنا به مذاهب مختلف فتوا می‌دادند و فهم روایات و استنباطات شیعی را بدون شناخت پیش‌زمینه‌های سنی آنها ناممکن یا عقیم می‌شمردند، اینک علم ملل و نحل و کلام و فقه بین‌المذاهب از مهجورترین رشته‌های آموزشی و پژوهشی است.

شاید رمز اصلی این غفلت فراگیر، دیوارها و مرزهای کشیده شده میان ما و پیروان دیگر مذاهب و نیز تعمیق حس خودبسندگی و بی‌نیازی از یافته‌ها و داشته‌های فکری دیگران باشد.

اینک که با گسترش علوم و رسانه‌های ارتباطی، همه مرزها و حجاب‌ها در حال شکسته شدن و فروریختن است و نیز با توجه به تغییرات پیش‌آمده در نگرش‌ها و گرایش‌های پیروان دیگر مذاهب و آشکار شدن حقایق بسیاری که در گذشته دور از دید و دسترس بودند، به نظر می‌رسد که رویکردی دوباره - و فارغ از تعصب‌ها و خصومت‌های گذشته - به مطالعات فرقه‌شناسی، سودمند، بلکه اجتناب‌ناپذیر است. در این میان، قطعاً اولویت با فرقه‌هایی است که در مبانی اعتقادی و مبادی تاریخی به ما نزدیک‌ترند، همان‌هایی که گاه بیشتر از دیگر مذاهب

النحل، چنان‌که مشهور است، سنی اشعری است یا، آن‌گونه که برخی از آثار او چون تفسیر مفتاح الاسرار نشان می‌دهد، باطنی اسماعیلی است. و نیز اسماعیلیان در باب توحید، نبوت، امامت، معاد، تأویل و باطنی‌گری چگونه می‌اندیشیدند؟ دیدگاه‌های کلامی و فلسفی آنان تا چه حد در شکل‌دهی کلام شیعیان امامی اثرگذار بوده است؟ آیا ولایت باطنی که در تفسیر ولایت و توجیه غیبت امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مورد توجه عالمان ما قرار گرفته، منشأ و مبدئی اسماعیلی داشته است؟

پاسخ به این پرسش‌ها، قطعاً پاسخ نهایی تلقی نمی‌شود و یقیناً جا برای تحقیقات برتر باز است. تازه‌هایی درباره‌ی درویشان با اتکا به منابع معتبر و نیز مطالعات و مشاهدات میدانی مؤلف مقاله، که سالیانی متمادی را در مجاورت آنان گذرانده است و نیز گزارشی از مطالعات صورت گرفته در مورد فرقه پیچیده قرامطه، از دیگر مقالات این مجموعه را تشکیل می‌دهد.

در این جا بجاست از همت و تلاش بی‌دریغ استاد گرانقدر جناب آقای قاسم جوادی که عهده‌دار مدیریت علمی این پژوهش بودند و نیز جناب آقای دکتر فرهاد دفتری که این مجموعه را به دقت از نظر گذراندند و مقدمه‌ای گرانمایه بر این اثر نگاشتند، سپاس‌گزاری کنیم. این مرکز امیدوار است در آینده بتواند مقالاتی عالمانه‌تر و پردامنه‌تر درباره‌ی دیگر موضوعات مهم اسماعیلیه به دست دهد، آثاری که به مدد استادان و پژوهشگران این گرایش علمی حتماً دست‌یافتنی خواهد بود؛ و توفیق‌دهنده واقعی خداست و بس.

مرکز مطالعات و تحقیقات

ادیان و مذاهب

فهرست

۵	سخن ناشر
۱۱	پیش‌گفتار
۳۳	خدا و صفات او در نگاه اسماعیلیان / مهدی فرمانیان
۷۵	نبوت از دیدگاه اسماعیلیان / مصطفی سلطانی
۱۱۱	امامت از دیدگاه اسماعیلیان / محمد نصیری
۱۸۹	معاد از دیدگاه اسماعیلیان / عبدالعلی صاعدرازی
۲۴۹	اسماعیلیه و باطنی‌گری / علی آقانوری
۳۰۹	قاضی نعمان و مذهب او / امیر جوان‌آراسته
۳۵۷	زندگی و اندیشه‌های ابوحاتم رازی / محمد جاودان
۴۰۱	زندگی و اندیشه‌های ناصر خسرو / محمدرضا رجبی
۴۴۹	شهرستانی؛ سنی اشعری یا شیعی باطنی؟ / مهدی فرمانیان
۵۰۵	خواجه نصیرالدین طوسی و اسماعیلیان / حمید ملک‌مکان
۵۳۷	تاریخ و اندیشه‌ی دروزیه / علیرضا ایمانی
۵۹۷	راهنمای مطالعات قرمطی / حمیدرضا شریعتمداری
۶۴۵	فهرست تفصیلی
۶۵۷	کتاب‌نامه
۶۸۱	نمایه

پیش‌گفتار

اسماعیلیه به عنوان یکی از جوامع عمده شیعه، تاریخ طولانی و پرحادثه‌ای داشته است که به صدر اسلام می‌رسد، یعنی همان دوره‌ای که فرق و گروه‌ها و مکتب‌های مختلف اسلامی به تدوین مواضع عقیدتی خود اشتغال داشتند. در بین فرق متعدد متقدم شیعه که همه قائل به مرجعیت رهبری اهل بیت پیامبر(ص) در جامعه مسلمانان بودند، تشیع امامی، که میراث مشترک شیعیان اثناعشری و اسماعیلی بود، تا زمان امام جعفر صادق(ع) اهمیت و اعتلای خاصی کسب کرده بود. شیعیان امامی، تحت رهبری امامان خود، مفهوم مشخصی از مرجعیت مذهبی را که مؤید به تأیید الهی بود تدوین کردند و طبق آن برخی از علویان فاطمی را که صاحب چنین مرجعیتی می‌شناختند، به امامت خویش پذیرا شدند و تبعیت از تعالیم این امامان علوی فاطمی از اخلاف امام حسین(ع) را در کانون اصول عقائد خود قرار دادند این مفهوم شیعی امامی از مرجعیت مذهبی در واقع در نظریه امامت جای گرفت که بعد نیز از اصول اساسی

اعتقادات اسماعیلیه گردید. اسماعیلیان که به نام اسماعیل، فرزند امام جعفر صادق(ع)، به این نام خوانده شده‌اند - نامی که ملل و نحل نویسان متقدم مانند حسن بن موسی نوبختی و سعد بن عبدالله قمی در اصل بر آنان نهادند - در طول تاریخ پریچ و تابشان به چندین شاخه عمده و گروه‌های کوچک‌تر منقسم شدند و این انشاقات‌ها نیز عموماً بر محور جانشینی برحق و مشروع در امامت می‌چرخید.

با رحلت امام جعفر صادق(ع) در سال ۱۴۸ ق / ۷۶۵ م، شیعیان پیرو آن حضرت به چند گروه تقسیم شدند که از آن میان دو گروه را می‌توان اولین گروه‌های اسماعیلی به حساب آورد. این گروه‌ها که از دعوی اسماعیل بن جعفر صادق یا فرزندش محمد بن اسماعیل حمایت می‌کردند، بعدها توسط مؤلفان کتب فرق و ملل و نحل، خاصه نوبختی و قمی که از امامیه بودند و از انشاقات داخلی تشیع بیش از مؤلفان اهل سنت اطلاع داشتند، با نام‌های «الاسماعیلیه الخالصة» و «المبارکیه» از یکدیگر متمایز گردیدند. در هر صورت، این شیعیان، که مانند دیگر شیعیان امامی مرکز فعالیتشان در کوفه بود و برخی از آنان در آنجا احتمالاً با غالی مشهور، ابوالخطاب، نیز همکاری‌های انقلابی داشتند، بعد از رحلت امام صادق(ع) از دیگر شیعیان امامی افتراق جستند. از تاریخ یکصد ساله بعدی نخستین گروه‌های اسماعیلی اطلاعات زیادی در دست نیست؛ زیرا از آن دوره تقریباً هیچ‌گونه منبع اسماعیلی به جا نمانده است. از منابع متأخر هم فقط ادريس عمادالدین (متوفای ۸۷۲ ق / ۱۴۶۸ م)، نوزدهمین داعی مطلق شاخه مستعلوی - طیبی در یمن، در عیون الاخبار خود، که تنها تاریخ جامع اسماعیلی به تألیف یک اسماعیلی است، مطالبی درباره دوره پیش از فاطمی تاریخ اسماعیلیه، که به «دور الستر»

معروف است، دارد که او هم مرحله آغازین نهضت اسماعیلیه را در سیطره ابهام باقی می‌گذارد.

نهضت اسماعیلیه تقریباً به طور ناگهانی در اواسط قرن سوم ق / نهم م به صورت یک جنبش سیاسی - دینی انقلابی بر ضد نظام خلافت عباسی در صحنه تاریخ ظاهر شد. خود اسماعیلیان این جنبش را «دعوت» یا «الدعوة الهادیة» می‌نامیدند. طبق تحقیقات جدید اسماعیلی، اکنون مسجل شده است که پس از درگذشت محمد بن اسماعیل، هفتمین امام اسماعیلیه، تعدادی رهبران مرکزی که در میان گروه‌های کوچک اسماعیلی آن زمان موقعیت مهمی داشتند و احتمالاً امامان یکی از آن گروه‌ها بودند، به طور پنهانی برای ایجاد یک جنبش واحد و گسترده اسماعیلی به طور موروثی فعالیت می‌کردند. این رهبران ابتدا برای سه نسل تقیه کردند و علناً به دعوی امامت برخاستند، که صرفاً تدبیری احتیاطی برای مصون ماندن از تعقیب و سیاست عباسیان و عمال آنان بوده است. در این دوره، رهبران مرکزی تبلیغات خود را بر مدار عقیده اصلی بزرگ‌ترین گروه از اسماعیلیان نخستین که به مهدویت محمد بن اسماعیل قائل بودند، گذاشتند و خود را صرفاً حجت یا نماینده تام الاختیار مهدی غائب معرفی کردند، آن هم نزد تعداد کمی از محارم و اصحابشان؛ زیرا عامه پیروان نهضت هیچ‌گونه اطلاعاتی از هویت این رهبران و مرکز فعالیتشان که بالاخره از خوزستان و جنوب عراق به شهر سلمیه در شام انتقال پیدا کرده بود، نداشتند. بدین ترتیب، جنبش اسماعیلی قرن سوم ق / نهم م - که بر انتظار ظهور قریب الوقوع مهدی محمد بن اسماعیل که می‌بایست حکومت عدل را در جهان مستقر سازد و خلافت را نیز به آل علی که حقوق مشروعشان را عباسیان غصب کرده

بودند منتقل سازد، تمرکز یافته بود - جاذبه فوق العاده‌ای برای گروه‌های محروم از طبقات اجتماعی مختلف داشت. از جمله این گروه‌ها باید از کشاورزان فاقد زمین در عراق و قبیله‌نشینان بدوی در یمن و عربستان که منافع آنان با منافع طبقات ممتاز شهرنشین و دستگاه متمرکز حکومتی عباسیان متفاوت بود، یاد کرد. پیام دینی - سیاسی دعوت اسماعیلیه که اینک به صورت یک جنبش پویای اجتماعی ضد عباسیان و نظام آنان در آمده بود، توسط تعداد زیادی داعی در میان طبقات اجتماعی گوناگون و در مناطق پراکنده از آسیای مرکزی تا شمال آفریقا انتشار یافت. دعوت اسماعیلی به خصوص در جنوب عراق، فارس، منطقه جبال، خراسان و ماوراءالنهر و نیز در شرق عربستان (بحرین)، یمن و بالاخره افریقیه در شمال آفریقا استقرار یافت، به طوری که تا سال‌های ۲۸۰ ق / ۸۹۰ م یک نهضت واحد و انقلابی که از سلمیه رهبری می‌شد، کلاً جایگزین گروه‌های متقدم کوچک که پایگاهشان در کوفه بود، شده بود.

در سال ۲۸۶ ق / ۸۹۹ م، هنگامی که عبدالله المهدی، مؤسس بعدی خلافت فاطمی در سلمیه، به رهبری دعوت رسیده بود، نهضت اسماعیلیه به دو جناح رقیب و متخاصم تقسیم شد. یک جناح به رهبری مرکزی دعوت وفادار ماندند و ادعای عبدالله المهدی، چهارمین رهبر بعد از محمد بن اسماعیل در دور الستر، را مبنی بر این‌که امامت در واقع در میان اجداد او نسل به نسل منتقل شده تا به او رسیده است، پذیرا شدند. این گروه، که بعدها اسماعیلیان فاطمی خوانده شدند، قائل به تداوم در امامت گشتند. جناح دیگری، که ابتدا تحت رهبری حمدان قرمط بودند، بر اعتقاد اصلی خود به مهدویت محمد بن اسماعیل باقی ماندند. نام «قرامطه» از این به بعد به ویژه به این شیعیان هفت امامی

(سبعیه) مخالف وجه دین که عبدالله المهدی و پیشینیان و نیز جانشینیان او را در سلسله خلفای فاطمی به امامت قبول نداشتند، اطلاق می‌شد. قرامطه در همان سال ۲۸۶ق / ۸۹۹م، تحت رهبری ابوسعید جنابی دولتی در بحرین در شرق عربستان به دست آوردند. قرامطیان بحرین بعدها با فاطمیان به جنگ و ستیز پرداختند و نیز بارها دنیای اسلام را مورد تاراج و عملیات خرابکارانه قرار دادند. دولت قرامطی بحرین عاقبت در سال ۴۷۰ق / ۱۰۷۷م منقرض گردید.

اسماعیلیان نخستین قالب بنیادی یک نظام عقلانی را نیز پی‌ریزی کردند. در واقع، سنت‌های فکری و تعالیم اساسی اسماعیلیه تا سال ۲۸۶ق / ۸۹۹م صورت و بیان متمایزی به خود گرفته بود که بعدها در دوره فاطمیان تحول و تکامل بیشتری یافت. اسماعیلیان بین ظاهر و باطن کتب مقدس و احکام دینی تمایز قائل می‌شدند و بر این اعتقاد بودند که کتب مُنزل، به خصوص قرآن مجید، و شرایعی که در آنها مندرج است دارای یک معنای لفظی ظاهری هستند که باید آن را از معنای درونی یا حقیقت روحانی نهفته در باطن آنها متمایز دانست. آنان مضافاً معتقد بودند که ظاهر، یا احکام و شرایع دینی که به وسیله پیامبران ابلاغ شده است، در هر دوره‌ای از تاریخ مذهبی بشریت تغییر می‌یابد، و حال آن‌که باطن که دربردارنده حقایق است ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند. این حقایق باطنی را می‌توان از طریق تأویل، یعنی روش استنباط باطن از ظاهر، آشکار ساخت. چنین روش‌های تعبیری در سنت‌های قدیم‌تر یهودی - مسیحی و نیز در سنت‌های گنوسی مختلف وجود داشته است، اما سابقه بلاواسطه تأویل اسماعیلی را که به تأویل باطنی نیز معروف است می‌توان در محیط شیعی قرن دوم ق / هشتم م در جنوب عراق

ردگیری کرد. در دور اسلام، حضرت محمد(ص) مسئولیت ابلاغ وحی یا تنزیل را بر عهده داشت و حال آنکه وصی آن حضرت، علی(ع)، مسئولیت تأویل آن را عهده‌دار بود و بدین جهت او را صاحب تأویل می‌نامیدند. بعد از علی(ع)، که خزینة علم بر زبان نیامده پیامبر بود، وظیفه تأویل به عهده امامان علوی مشروع از نسل امام حسین(ع) بود. تنها این بزرگان از اهل بیت پیامبر، که در مجموع اهل تأویل خوانده می‌شدند، سرچشمه‌های علم و راهنمایان برحق در دور اسلام هستند.

اسماعیلیان را به مناسبت آن‌که به مفهوم باطنی و حقایق نهفته در آن تعالی بخشیدند، بقیه مسلمانان شاخص‌ترین فرقه شیعی مبلغ باطن‌گرایی می‌دانستند و از این رو نام باطنیه را به طور عموم بر آنان نهادند. این عنوان را منابع ضد اسماعیلی اغلب به صورت مذمت برای اسماعیلیه به کار می‌بردند و آنان را کلاً متهم می‌کردند که ظاهر، یعنی احکام اسلام، را نادیده می‌گرفتند. شواهد موجود، از جمله متون به جامانده از سوگند عهد و میثاقی که نخستین اسماعیلیان هنگام در آمدن به این کیش به جا می‌آوردند، نشان می‌دهد که اسماعیلیان از رعایت شریعت و احکام آن معاف نبودند و در واقع، ظاهر و باطن را از یکدیگر جدایی‌ناپذیر می‌دانستند، تعالیمی که بعدها در دوره فاطمی به وضوح با تکوین فقه اسماعیلی تکامل یافت. در هر صورت، اسماعیلیان بر آن بودند که حقایق نهضت در باطن نمایانگر پیام مشترکی است که در یهودیت و مسیحیت و اسلام وجود دارد؛ اما حقایق این ادیان یکتاپرست ابراهیمی در پوشش شرایع ظاهری مختلف، که لازمه اوضاع و احوال متغیر دنیوی بوده، پنهان مانده است. اسماعیلیان نخستین استلزام‌های این حقایق را به زبان یک نظام فکری گنوسی چنان پرداختند که یک جهان‌بینی اسماعیلی را عرضه

می‌داشت. دو رکن عمده این نظام تاریخ ادواری و حیانی و آمدن پیامبران ناطق و نزول شرایع مختلف بود، و دیگری یک عقیده جهان‌شناسی. موفقیت دعوت اولیه اسماعیلیه با استقرار دولت فاطمی در سال ۲۹۷ق / ۹۰۹م در شمال آفریقا به اوج خود رسید. دوره فاطمی را اغلب به «عصر طلایی» اسماعیلیه وصف کرده‌اند. جنبش انقلابی و دعوت اسماعیلیان نخستین سرانجام به تأسیس دولتی منجر شده بود که امام اسماعیلی در رأس آن قرار داشت و طی همین دوره، تفکر و ادبیات اسماعیلی به اوج اعتلای خود رسیدند. تأسیس خلافت فاطمیان در واقع پیروزی بزرگی برای تمامی شیعه بود؛ زیرا اینک برای اولین بار، پس از علی(ع)، آنان شاهد جلوس یک امام علوی از اهل بیت بر مسند رهبری یک دولت مهم اسلامی بودند. با پیروزی فاطمیان، امام اسماعیلی قدرت عباسیان و تفسیر اهل سنت از اسلام را به چالش خواند و تعبیر شیعی خود را از اسلام رسماً عرضه داشت. اینک مذهب اسماعیلی نیز مکان خود را در میان جوامع تفسیری دولت‌مدار در جهان اسلام پیدا کرده بود. در این شرایط، اسماعیلیان برای اولین بار در تاریخ خود می‌توانستند بدون ترس از تعقیب و آزار در محدوده قلمرو فاطمیان طبق موازین دینی خود عمل کنند، و حال آن‌که در بیرون این قلمرو کماکان ناچار بودند چون گذشته به تقیّه پردازند.

خلفا و امامان فاطمی پس از رسیدن به قدرت، فعالیت‌هایشان را در امور دعوت اسماعیلی متوقف نساختند. آنان با این هدف که مرجعیت دینی و اقتدار سیاسی خود را بر همه امت مسلمان و حتی دیگر امت‌ها گسترش دهند، سازمان دعوت و شبکه داعیان خود را که هم در داخل و هم در خارج قلمرو فاطمیان به فعالیت مشغول بودند، حفظ کردند.

فاطمیان، به ویژه پس از آن‌که در سال ۳۶۲ ق / ۹۷۳ م مقر دولتشان به شهر قاهره در مصر انتقال یافت، توجه خود را به امور دعوت بیشتر معطوف کردند. قاهره که پس از فتح مصر به دست خود فاطمیان بنیان گذاشته شده بود، پایگاه سازمان پیچیده مبتنی بر سلسله مراتب دعوت اسماعیلی گردید. فاطمیان همچنین نهادهای علمی و تعلیمی خاصی برای تربیت داعیان و آموزش اسماعیلیان عادی برپا داشتند که از آن میان می‌توان از مؤسسه دارالعلم و مجالس درسی که برای تعلیم اصول عقاید اسماعیلیه یعنی حکمت بود و به «مجالس الحکمة» شهرت یافت، نام برد.

داعیان اسماعیلی دوره فاطمی که به عنوان متکلم تعلیم می‌یافتند، در عین حال عالمان و مؤلفان جامعه خود نیز بودند و متون متقدم ادبیات اسماعیلی را در موضوعات متنوع ظاهری و باطنی، از تاریخ‌نگاری و زندگی‌نامه گرفته تا رسالات جامع کلامی و فقهی و فلسفی، و نیز کتب مهمی در زمینه تأویل که از شاخص‌های کیش اسماعیلی بود، پدید آوردند. این داعیان به خصوص رسالات کلامی متعددی بر محور نظریه امامت تدوین کردند و همچنین نظریات خود را درباره مطالبی مانند توحید و صفات الهی، رستگاری، قضا و قدر به رشته تحریر در آوردند، یعنی بسیاری از همان مباحث کلامی که دیگر متکلمان مسلمان نیز درباره آنها به بحث و تبادل نظر مشغول بودند. بعضی از داعیان دوره فاطمی، به خصوص آنانی که در سرزمین‌های ایران و ماوراءالنهر فعالیت می‌کردند، کلام اسماعیلی را با سنت‌های مختلف فلسفی، از جمله فلسفه نوافلاطونی، درآمیختند و نظام‌های فکری پیچیده مابعدالطبیعی با عقاید جهان‌شناسی متفاوتی پدید آوردند. این امر به تکامل یک سنت عقلانی ویژه منجر شد که آن را «اسماعیلیه فلسفی» نامیده‌اند. این داعیان

سرزمین‌های ایرانی، مانند ابویعقوب سجستانی، حمیدالدین کرمانی و بالاخره ناصر خسرو، از زمان محمد نسفی (متوفای ۳۳۲ق / ۹۴۳م) شروع به تألیف رسالاتی برای طبقات فرهیخته جامعه کرده بودند، با این هدف که آنها را از لحاظ فکری به سوی مواضع دعوت خود جذب کنند. این موضوع روشن می‌سازد که چرا آنان بر آن شدند که الهیات خود را برحسب جدیدترین و از نظر فکری متداول‌ترین مضمون‌های فلسفی آن روزگار بیان کنند بدون آن‌که جوهر پیام دینی خود را که مانند پیش‌برگرد نظریه شیعی امامت دور می‌زد، به مخاطره افکنند. به عبارت دیگر، این داعیان ایرانی، که فیلسوفان برجسته‌ای نیز بودند، بدون آن‌که خود را جزء فلاسفه به حساب آورند، از فلسفه صرفاً به گونه‌ای که برای کلام و الهیات آنها سودمند باشد استفاده می‌کردند. در نتیجه، کلام و الهیات اسماعیلی کلاً و حیاتی باقی ماند و به طور محسوس عقلانی و استدلالی نشد، و داعیان اسماعیلی نیز همچنان متکلمان پارسایی که نظریه امامت را تبلیغ می‌کردند، باقی ماندند. به طور خلاصه، این در دوره فاطمیان بود که اسماعیلیان ارمان فکری ثمربخشی به الهیات و فلسفه اسلامی به طور کلی و به تفکر شیعی بالاختصاص، ارزانی داشتند. بازیابی جدید ادبیات آنها به روشنی بر غنا و تنوع میراث‌های ادبی و فکری عهد فاطمی اسماعیلیه گواهی می‌دهد.

فاطمیان از آغاز دولتشان به مسائل شرعی نیز توجه خاص داشتند، و ادبیات اسماعیلی دوره فاطمی پیوسته بر جدایی‌ناپذیری ظاهر و باطن و بر رعایت شریعت و توجه به معنای درونی آن تأکید داشته است. اما هنگام روی کار آمدن فاطمیان هنوز یک مکتب فقهی متمایز اسماعیلی وجود نداشت، زیرا تا آن زمان اسماعیلیان جزء یک نهضت انقلابی و

محرمانه بودند و قوانین و احکام سرزمین‌هایی را که در آن‌جا می‌زیستند مراعات می‌کردند. با استقرار خلافت فاطمی نیاز به تدوین فقه اسماعیلی نیز برای اولین بار پدیدار گشت و این امر با اجرای احکام فقه شیعه که در اختیار بود، آغاز گشت. تدوین یک مکتب فقهی اسماعیلی عمده‌تأ حاصل کوشش‌های چند دهه‌ای قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد (متوفای ۳۶۳ق / ۹۷۴م) بود که عالم‌ترین فقیه دوره فاطمی محسوب می‌گردد. وی فقه اسماعیلی را با جمع‌آوری منظم احادیث موثقی که از اهل بیت، خاصه امامان باقر(ع) و صادق(ع)، روایت شده بود، بر مبنای آثار کلینی و دیگر محدثان و مؤلفان متقدم شیعی و بعضاً سنی تدوین کرد. مساعی قاضی نعمان سرانجام در تألیف کتاب دعائم الاسلام به اوج خود رسید و این کتاب قانون‌نامه رسمی فقه دولت فاطمی گردید. در فقه اسماعیلی نیز، به صورتی که قاضی نعمان پرداخته بود، اصل نظریه امامت اهمیت‌محوری داشت و این به دولت فاطمیان مشروعیت اسلامی می‌داد. در نتیجه، مرجعیت و اقتدار و قول یک امام علوی معصوم و تعالیم او سومین منبع فقه اسماعیلی، پس از قرآن مجید و سنت نبوی، گردید. قاضی نعمان، که خود سمت‌های «داعی الدعاء» یعنی ریاست دعوت اسماعیلی و نیز «قاضی القضاة» دولت فاطمی را همزمان در اختیار داشت و بدین ترتیب مسئولیت اجرای شریعت و تأویل باطنی آن را به عهده داشت، همچنین پایه‌گذار خاندانی از قاضی القضاة‌ها در دولت فاطمی گردید.

دعوت و جامعه یکپارچه اسماعیلی روزگار فاطمیان در سال ۴۸۷ق / ۱۹۰۴م به دو شاخه متخاصم مستعلویه و نزاریه تقسیم شد. این انشقاق بر سر جانشینی خلیفه و امام فاطمی، المستنصر بالله، که در آن سال در گذشت، رخ داد. المستنصر هرگز نص امامت و خلافت از فرزند بزرگش